

علي (ع)، امام رحمت و عدل

نوزدهم ماه مبارك رمضان روز غريبي است. روز ضربت خوردن امامي است که به امام عدل شهرت دارد...



نوزدهم ماه مبارك رمضان روز غريبي است. روز ضربت خوردن امامي است که به امام عدل شهرت دارد. امامي که عدالت، خلاصه همه خوبی‌هاي اوست و شیعیان این امام هم‌هم تنها به پیروي از این ویژگی ممتاز پیشوایشان است که می‌توانند شیعه و پیرو واقعي او باشند.

عدالت، این کلمه کاملی که در کنار آزادي از زیباترین واژه‌هاي عالم هستی است، در وجود گرانقدر این امام عزیز جلوه‌اي تام و تمام دارد. بویژه اگر عدالت را نیز مثل آزادي منحصر به بُعد اجتماعي‌اش ندانسته و آن را مفهومي اولاً و بالذات، اخلاقي و فردي بدانیم. عدالت پیش و بیش از هر چیز در ترك گناه و احتراز از ظلم به نفس معنا می‌شود و وجه اجتماعي آن هم ریشه در همین بُعد فردي و اخلاقي دارد چنان‌که آزادي اجتماعي نیز جز در پرتو آزادي معنوي و روعي یکایک افراد جامعه دست‌یافتنی نیست.

علي(ع) را جامع اضداد می‌خوانند و این ویژگی هم ریشه در عدالت علي دارد، چراکه اضداد جز در زیرسایه اعتدال و میانه‌روي امکان آشتی و همجواری ندارند و او خود فرموده: خیرالامور اوسطها. جاذبه و دافعه علي از جمله مهم‌ترین مصادیق جامعیت اضداد اوست. کتاب «جاذبه و دافعه علي(ع)« اثر علامه شهید مرتضی مطهری بذل توجهی است ویژه به جامعیت شخصیتی این امام گرانقدر و در نتیجه، مثالی روشن از تجلی بی‌مثال عدالت در وجود امام عدل. از آنجا که شرط عدالت، به گفته حضرت امیر، مراعات اعتدال و میانه‌روي است و در میان ما علي بیشتر با شمشیر و تازیانه و جنگ و جهاد نمایانده شده، شاید شرط انصاف و عدل در این مساله، پرداختن بیشتر به جاذبه علي برای جبران نسبی تصاویر ارائه شده دیگر باشد.

ما در اینجا به طور خاص این وجه از شخصیت امام علي(ع) را مورد توجه قرار داده‌ایم. یعنی وجه عشق، محبت و مهربانی علي را که البته صرفاً به جاذبه او مربوط نمی‌شود و در واقعیت امر دافعه او را هم در بر دارد ولی از آنجا که مشهور در بحث محبت و مهربانی، جذب است نه دفع، رویکرد ما در این نوشتار، صرفاً مهربانی علي از حیث جذب حداکثري اوست.

شهید مطهری با بیان این‌که امتیاز اساسی علي(ع) و سایر مردانی که از پرتو حق روشن بوده‌اند، بهره‌مندی توأمان از قدرت تسخیر اندیشه‌ها و قدرت تسخیر دل‌هاست، فیلسوفانی همچون سقراط، افلاطون، ارسطو، بوعلی و دکارت را مثال می‌آورد که قهرمان تسخیر اندیشه‌ها هستند اما راهی به تسخیر دل‌هاي پیروان خود ندارند: «آری فیلسوفان شاگرد می‌سازند نه پیرو، رهبران اجتماعي پیروان متعصب می‌سازند نه انسان‌هاي مذهب، اقطاب و مشایخ عرفان ارباب تسلیم می‌سازند نه مؤمن مجاهد فعال.« سپس علامه شهید با اشاره به شخصیت جامع‌الاطراف علي(ع) که هم فیلسوف است و هم رهبر انقلابی، هم پیر طریقت است و هم دارای خصلتی از جنس خصلت انبیا، مکتب علي را مکتبی می‌شمارد که هم به عقل و اندیشه نظر دارد و هم به ثوره و انقلاب، هم مکتب تسلیم است و هم مکتب حسن و زیبایی و جذب و حرکت.

استاد شهید، صراحتاً این جامعیت شخصیتی امام علي را برخاسته از عدالت او - آن‌هم عدالت در بُعد فردي کلمه - عنوان می‌کند: «علي(ع) پیش از آن‌که امام عادل برای دیگران باشد و درباره دیگران به عدل رفتار کند، خود شخصاً موجودی متعادل و متوازن بود. کمالات انسانیت را با هم جمع کرده بود. هم اندیشه‌هاي عمیق و دوررس داشت و هم عواطفی رقیق و سرشار. کمال جسم و کمال روح را توأم داشت.«

محبت، اصلی‌ترین مساله در بحث از جاذبه علي است. شهید مطهری در بخشی از این کتاب تحت عنوان «نیروی محبت در اجتماع« با اشاره به آیه 159 سوره آل عمران که دلیل جاذبه پیامبر را در میان پیروان، نرم‌خویی و مهربانی ایشان عنوان می‌کند، عشق و محبت را عاملی مهم برای ثبات و ادامه حیات حکومت‌ها برشمرده و تصریح می‌کند که تا عامل محبت نباشد رهبر نمی‌تواند یا بسیار دشوار است که اجتماعي را رهبری کند و مردم را افرادی منضبط و قانونی تربیت نماید، اگرچه عدالت و مساوات را در آن اجتماع برقرار کند. به نزد استاد، مردم آن‌گاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و آن علاقه‌هاست که مردم را به پیروي و اطاعت می‌کشد.

از مصادیق عشق علي به مردم، نگاه رحمانی بی‌مانند او به اهل معصیت است. خطبه 140 نهج‌البلاغه یکی از زیباترین خطبه‌هاي این کتاب گرانقدر است که با نهدی دینداران از عیبجویی خطاکاران، تصویری رحمانی و متعالی از مسلمانان پیش چشم نهاده و با محور قرار دادن امکان گناهکار بودن اهل دین و در مقابل، امکان پاک بودن اهل معصیت، بعد اخلاقي عدالت را معنایی تازه بخشیده است، اما چگونه می‌شود اهل دین بود و گناهکار یا از آن عجیب‌تر اهل معصیت بود و پاک؟!

پاسخ این پرسش در متن متین خطبه مذکور نهفته است: «ای بنده خدا، به عیبجویی گناهکار مشتتاب، شاید خداوند او را آرمزیده باشد و از خردک گناهی هم که کرده‌اي، ایمن منشین، بسا که تو را بدان عذاب کنند. هر کس از شما که به عیب دیگری آگاه است، باید از عیبجویی باز ایستد، زیرا می‌داند که خود را نیز چنان عیبی هست. باید به سبب عیبی که دیگران بدان مبتلا هستند و او از آن در امان است، خدا را شکر گوید و این شکرگزاری او را از نکوهش دیگران به خود مشغول دارد.« (نهج‌البلاغه، خطبه 140، ترجمه عبدالمحمد آیتی)

به بیان حضرت امیر معلوم نیست کسی که اهل معصیت است به سبب آرمزش الهی پاک نشده باشد و نیز معلوم نیست آن‌که از

گناهکاران نبوده و جز خرده‌گناهی در پرونده اعمال خود معصیتی نداشته، پاک باشد و از عذاب الهی ایمن. امام علی(ع) با این بیان واژه عدالت و پرهیز از گناه و معصیت را از معنای ظاهربینانه مرسوم تهی نموده و معنای واقعی آن را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. عادل در نظر امام عدل شیعیان کسی است که مصداق این عبارات حضرت نباشد: «چگونه است حال غیبت‌کننده‌ای که زبان به غیبت برادر خود می‌گشاید و او را به سبب گرفتار شدنش در چنگ گناه سرزنش می‌کند. آیا به یاد ندارد که خداوند گناهان او را مستور داشته، آن هم گناهانی که از گناهان کسی که زبان به غیبتش گشاده، بسی بزرگ‌تر بوده است و چگونه او را به گناهی نکوهش می‌کند که خود نیز همانند آن را مرتکب می‌شود و اگر آن گناه را، عیناً، مرتکب نشده، خداوند را در مواردی که از آن گناه عظیم‌تر بوده است، نافرمانی کرده است. به خدا سوگند، اگر گناه بزرگی مرتکب نشده ولی نافرمانی کوچکی از او سر زده است، جرأت او در عیبجویی و غیبت مردمان گناهی بزرگ‌تر است.«

آزاد جعفری
جام جم